

# یک هزار و یک واژه عامیانه

## دسته‌بندی موضوعی

غذا، پول، هوا، کار، سیاست، پوشاک و مد،  
حمل و نقل، ملیت، حیوانات، مرگ و میر، دیوانگی،  
پزشکی، ورزش و اینترنت

انگلیسی به فارسی

و

فارسی به انگلیسی

دکتر حسین زارع بهتاش

و

پریوش زارع بهتاش

ویراستار

اسماعیل زارع بهتاش

۲۰۱۳

سرشناسه: زارع بهتاش، حسین، ۱۳۶۲-  
عنوان و نام پدیدآور: یک هزار و یک واژه عامیانه دسته‌بندی موضوعی: انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی / حسین  
زارع بهتاش، پرورش زارع بهتاش؛ ویراستار: اسماعیل زارع بهتاش.

مشخصات نشر: تهران، رهنما، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۷-۵۵۱-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

یادداشت: عنوان به انگلیسی: 1001 Famous Slangs: English to Persian and Persian to English.  
English.

موضوع: زبان انگلیسی -- اصطلاح‌های عوامانه -- فارسی

موضوع: فارسی -- اصطلاح‌های عوامانه -- انگلیسی

موضوع: زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

موضوع: فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی

شناسه افزوده: زارع بهتاش، پرورش، ۱۳۴۰-

شناسه افزوده: زارع بهتاش، اسماعیل، ۱۳۳۴-، ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲، ۲/۲۱/۲۱۷ P

رده‌بندی دیویی: ۴۲۷/۰۹۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۳۶۷۴۰

*All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form or by any means without the permission, in writing, from the Publisher.*

**RAHNAMA PRESS**

Copyright © 2013

No. 112, Shohadaye Zhandarmerie St. (Moshtagh St.), Between Farvardin & Fakhre Razi, Enghelab Ave., Oppo. Tehran University, Tehran, Iran.

P.O. Box: 13145/1845 - Tel: (021) 66416604 & 66400927

E-mail: [info@rahnamapress.com](mailto:info@rahnamapress.com)

<http://www.rahnamapress.com>

رهنما

یک هزار و یک واژه عامیانه (انگلیسی به فارسی، فارسی به انگلیسی)، مؤلفین: حسین زارع بهتاش، پرورش زارع بهتاش، لیتوگرافی: رهنما، چاپ: چاپخانه نقره‌فام، چاپ اول: ۱۳۹۲، تیراژ: ۵۰۰ نسخه، ناشر: انتشارات رهنما، آدرس: مقابل دانشگاه تهران، خیابان فروردین، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۱۲، تلفن: ۶۶۴۰۰۹۲۷، ۶۶۴۱۶۶۰۴، ۶۶۴۸۱۶۶۲، فاکس: ۶۶۴۶۷۴۲۴، فروشگاه رهنما، سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، بین ۴۰ و ۴۲ شرقی، پلاک ۲۹، تلفن: ۸۸۶۹۴۱۰۲، آدرس فروشگاه شماره ۴: خیابان پیروزی نبش خیابان سوم نیروی هوایی، تلفن: ۷۷۴۸۲۵۰۵، نمایشگاه کتاب رهنما، مقابل دانشگاه تهران پاساژ فروزنده، تلفن: ۶۶۹۵۰۹۵۷، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۷-۵۵۱-۶

مق چاپ برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

## فهرست

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۱  | غذای روزمره                 |
| ۴  | پول                         |
| ۷  | آب و هوا                    |
| ۸  | مشاغل                       |
| ۱۱ | بیکاری                      |
| ۱۲ | سیاست                       |
| ۱۴ | پوشاک و مد                  |
| ۱۷ | وسایط حمل و نقل             |
| ۲۰ | ملیت                        |
| ۲۲ | ایالت‌های امریکا            |
| ۲۳ | حیوانات                     |
| ۲۵ | مرگ و میر                   |
| ۲۷ | دیوانگی                     |
| ۲۹ | تلویزیون                    |
| ۳۰ | پزشکی                       |
| ۳۱ | ورزش عمومی                  |
| ۳۳ | فوتبال                      |
| ۳۵ | بسکتبال                     |
| ۳۶ | بوکس                        |
| ۳۷ | کامپیوتر و کاربرهای اینترنت |

## مقدمه

در کنار انگلیسی استاندارد که زبان رسمی صحبت و نگارش است، گونه‌های دیگر زبانی نیز وجود دارند که توسط اقشار مختلف مردم تکلم می‌شوند. چه بسا این شکل‌های زبانی نسبت به افراد تحصیل کرده توسط افراد غیر تحصیل کرده و حتی بی‌سواد کاربرد بیشتری داشته باشد. از آن جمله می‌توان به (cant) زبان حرفه‌ای تبهکاران (underworld) و یا به (jargon) زبان حرفه‌ای و مخصوص قشر خاصی از جامعه اشاره داشت. و یا از (colloquialism) زبان محاوره‌ای می‌توان یاد کرد که بر سر میز غذا از آن استفاده می‌شود و بعد از آن کاربردی ندارد. یا اینکه از (solecisms) که گونه‌ای از خطاهای زبان‌شناسی است، و همچنین از (dialects) یا لهجه نام برد که کاربرد منطقه‌ای دارد و در پایان از slang باید نام برد. واژه slang معانی زیاد دارد. کارل سندبرگ (Carl Sandburg) معتقد است که "slang زبانی است که آستین خود را بالا می‌زند، تف توی دستش می‌کند و مشغول کار می‌شود". فاولر (Fowler, 1926) بر این باور است که slang «بازی با کلمات و نام‌گذاری مجدد کلمات و رفتارهاست». مجله ریدرز دایجست (Readers' Digest, 1983) معتقد است که slang به نظر می‌رسد که در حد فاصل کلمات همگانی - (یعنی کلمات رسمی و غیررسمی که در اختیار همگان است) - و کلمات درون‌گروهی که در اختیار افراد خاصی است واقع شده است. کامل‌ترین فرهنگی که تا به حال در مورد این گونه زبانی یا به عبارتی عام‌تر فرهنگ زبان عامیانه چاپ شده مربوط به اریک پارتیج (۱۸۹۴-۱۹۷۹) است. او معتقد است که

slang جوهر و جان کلام زبان محاوره است که آن را سهولت کار و علاقه به زبان به وجود می‌آورد تا قواعد زبانی، یا دستوری و یا حتی ایده‌های فلسفی. همچون رفتارهای روانی، slang نشانگر خاکی بودن انسان به همراه روح شکست‌ناپذیر اوست. این شیوه زبانی، انسان را در جایگاه صحیح اجتماعی می‌نشانند و او را با هم‌جفتان دنیای خود و با دنیای خود مربوط می‌سازد. (گرین، vii)

بر اساس نوشته دیوید کریستال، پارتیج پانزده دلیل برای کاربرد زبان عامیانه و یا کلمات عامیانه ذکر کرده است که عبارتند از:

- 1- For the fun of it
- 2- As an exercise in wit or ingenuity
- 3- To be different
- 4- To be picturesque
- 5- To be arresting
- 6- To escape from clichés
- 7- To enrich the language
- 8- To add concreteness to speech
- 9- To reduce seriousness
- 10- To be colloquial
- 11- For ease of social interaction
- 12- To induce intimacy
- 13- To show that one belongs
- 14- To exclude others
- 15- To be secret

عمده‌ترین دلیل استفاده از این شکل زبانی، علاوه بر غنی‌تر کردن زبان و خیلی علت‌های دیگر، نشان دادن این واقعیت است که شما "جزو یک گروه خاص هستید ولی جزو دیگری نیستید".

فرهنگ آریانپور کلمه slang را به "زبان غیر ادبی، زبان باراری، زبان پیشه‌ای و صنفی" ترجمه کرده است و فرهنگ هزاره از آن به عنوان "زبان عامیانه و لاتین" یاد می‌کند. منشا کلمه slang مشخص نیست. فرهنگ بزرگ آکسفورد تاریخ ۱۷۵۶ را برای اولین کاربرد این واژه ثبت کرده است. بعضی از اهل فن ارتباطی بین دو کلمه slang و sling قائل هستند، بدین معنی که افراد دوست داشتند از سر شوخی در موقعیت‌های مختلف کلماتی را با هم دیگر رد و بدل کنند (sling) که دیگران متوجه آنها نشوند. بر اساس کتاب «انگلیسی مرا ببخشید»، که هزار و یک واژه این کتاب از آن انتخاب شده است، برای اولین بار در دوره الیزابت یا قرن شانزدهم اولین تلاش برای جمع‌آوری کلمات عامیانه صورت گرفت. مسلم است که این کلمات در شهرها بیشتر کاربرد داشته است تا در روستاها؛ زیرا که وجود گروه‌های مختلف اجتماعی لازمهٔ به وجود آمدن این کاربرد زبانی بود. این تنوع قشر اجتماعی در روستاها وجود نداشت. کلمات

عامیانه‌ای که در قرن شانزدهم تهیه و ثبت شده است مربوط به دنیای تبهکاران است که مردم عادی به چشم ترس و خصومت به آنها نگاه می‌کردند. در این دوره بود که واژه‌نامه مربوط به زبان دزدان (thieves' cant) منتشر شد. هدف از انتشار این کلمات این بود که مردم را ضمن آشنایی با دنیای شرارت دزدان برای مقاومت و مبارزه با آنان آماده سازند. شکسپیر نیز در نمایشنامه‌های خود به زبان دزدان اشاره داشت. از این دوره به کلمات زیر می‌توان اشاره کرد.

**Abraham-man:** unruly beggar, especially one feigning in sanity

گدای سرکش که خود را به دیوانگی می‌زند  
(گرفته شده از بخش ابراهیم نام بخش روانی بیمارستانی در لندن)

**bruiser:** a prize-fighter, or violent person

آدم شرور یا فردی که به‌خاطر جایزه با کسی درگیر می‌شود

**clap:** gonorrhoea

سوزاک

**clink:** prison

زندان

**commodity, streetwalker:** a whore

روسپی

**fap:** drunk

مست

**lift:** steal

در قرن هفدهم نیز کلمات عامیانه ارتباط تنگاتنگی با دنیای دزدان، زندانی‌ها و روسپی‌ها دارد. در این دوره شاهد جنگ‌های داخلی و اعدام پادشاه هستیم. اعاده سلطنت و باز شدن درب‌های تماشاخانه پس از دو دهه و نوشته‌های سبک و غیر اخلاقی واژه‌های عامیانه خود را به همراه داشت.

**bang:** an act of sexual intercourse

آمیزش جنسی

**betty:** an burglar's jimmy

نوجه دزد

**bone:** seize or arrest

دستگیر کردن

**bracelets:** handcuffs

کش رفتن

**pickle:** a predicament

گرفتاری

**prat:** buttocks

باسن

**prig:** a thief

دزد

**saucebox:** an imprudent person

آدم بی پروا

**sheepbiter:** a contemptible

آدم پست

**upright-man:** a sturdy beggar or leader of a gang

گدای قوی هیکل و یا رئیس گانگسترها

**whittle:** confess at the gallows

پای چوبه دار به گناه خود اعتراف کردن

دستبند

**canary-bird:** jailbird or convict

زندانی، مجرم

**cit:** a town-dweller (from citizen)

شهروشین

**collegiate:** a prison inmate

|                                        |                     |                                 |                 |
|----------------------------------------|---------------------|---------------------------------|-----------------|
| dead men: emptied bottles              | هم سلولی            | overshot: drunk                 | توده مردم       |
| diver: a pickpocket                    | بطری های خالی       | pal: friend                     | مست             |
| hubby: a husband                       | جیب بر              | pinch: steal                    | رفیق            |
| Kaffir: a black person in South Africa | شوهر                | quid: a pound sterling          | کش رفتن         |
| knock off: stop work                   | سیاه پوست در آفریقا | son of a bitch: a term of abuse | پوند            |
| leg it: run away                       | دست از کار کشیدن    | turn in: go to bed              | (توهین) پدر سگ  |
| mobility: the common people            | در رفتن             | turn off: execute               | کپیدن           |
| nub: gallows                           | توده مردم           | when pigs fly: never            | اعدام کردن      |
|                                        |                     |                                 | هرگز، وقت گل نی |

در قرن هیجدهم هنوز هم شاهد پیدایش کلمات عامیانه مربوط به دنیای شرارت هستیم. اما به نظر می رسد که کم کم این کلمات رو به تخراب اجتماعی گذاشته است. مد در سطح جامعه مطرح و مهم می شود؛ لباس های جدید جایگزین لباس های قدیمی و سنتی می شود. افراط در مشروب خواری رواج پیدا می کند و به دنبال آن، کلمات مربوط به مسائل جنسی بیشتر می شود.

با توجه به پیدایش و رشد ادبیات داستانی، به عنوان یک ژانر ادبی جدید، در مجامع رمان خوانی مطرح می شود. سفرهای گالیور به چاپ می رسد و واژه yahoo به معنی «شخص بی فرهنگ و لات» وارد زبان می شود که همچنان تا الان در زبان باقی مانده است. مستعمرات آمریکا در اختیار بریتانیا قرار می گیرد و از اقیانوس آتلانتیک به عنوان «استخ» (the pond) یاد می شود. و اما چند کلمه عامیانه از این دوره:

|                        |              |                               |            |
|------------------------|--------------|-------------------------------|------------|
| all the go: in fashion | مد           | bosky: somewhat tipsy         | توالت      |
| bam: hoax or deceive   | دست انداختن  | breadbasket: the stomach      | تا حدی مست |
| beak: magistrate       | رئیس کلانتری | bundook: a rifle (from hindi) | معهده      |
| bog: a toilet          |              |                               | تفنگ       |

**cabbage:** steal or purloin

دزدیدن

**cat:** malicious or spiteful woman

زن کینه‌توز

**chap:** a man, boy or fellow

یارو

**chatterbox:** someone who talks incessantly

آدم پر حرف

**cockeyed, oiled:** drunk

مست، لول

**college:** a prison

زندان، دانشگاه

**crazy:** very enthusiastic or passionate

دیوانه، شوریده

**doctor:** brown sherry

شراب اسپانیولی

**gams:** the legs

پا، پاچه

**half-seas-over:** slightly drunk

نیمه مست

**hump, screw:** have sex with

خواهیدن

**hush money:** money paid for silence

حق السکوت

**indescribables:** trousers

شلوار

**kick the bucket:** die

مردن، خودکشی کردن

**mot:** a young girl or woman

دختر یا زن جوان

**nose:** informer

خبرچین

**pappy:** father

پدر

**pond:** the Atlantic Ocean

اقیانوس آتلانتیک

**shithouse:** a toilet

توالت

**smasher:** a person who passes bad money

کسی که پول جعل رد و بدل می‌کند

**sweat:** to extract confession

به اعتراف وا داشتن

**swell:** finely dressed person

خوش لباس

**ta:** thank you

متشکرم

**weeny:** very small

کوچولو

قرن نوزدهم دوره امپراطوری دولت انگلستان است. در این دوره شاهد شکوفایی زبان انگلیسی و رشد رمان و کشیده شدن زبان انگلیسی به اقصی نقاط دنیا هستیم. واژه‌هایی مثل Abo, Buckley's, cobber از استرالیا وارد زبان انگلیسی می‌شود. در این دوره آمریکا به عنوان کشوری مستقل و انگلیسی زبان از قدرت‌های جهانی به حساب می‌آید. این عوامل سبب رشد زبان و پیدایش واژه‌های زیادی شد که وارد بریتانیا گردید. خیلی از این کلمات مثل bushed, dough, creep, greenback, heist هنوز هم برای مردم بریتانیا آشنا به نظر می‌رسند. افزایش سواد مردم و سوادآموزی و چاپ رمان‌های فراوان، مخصوصاً آثار چارلز دیکنز و علاقمندی دیکنز به ثبت و استفاده از واژه‌های عامیانه زبان انگلیسی را روز به روز غنی‌تر می‌ساخت. فهرست زیر گلچینی از واژه‌های عامیانه این قرن می‌باشد.

|                                                 |                     |                                                                 |                         |
|-------------------------------------------------|---------------------|-----------------------------------------------------------------|-------------------------|
| <b>Abo:</b> an Aboriginal                       | بومی استرالیا       | <b>comfy:</b> comfortable                                       | راحت                    |
| <b>all over the shop:</b> disordered            | نامرتب، درهم و برهم | <b>creep:</b> an unpleasant person                              | آدم گند                 |
| <b>axe:</b> dismissal from a job                | اخراج               | <b>dead duck:</b> a failure                                     | ناتوانی، شکست           |
| <b>bags:</b> trousers                           | شلوار               | <b>dough:</b> money                                             | پول                     |
| <b>balls:</b> guts or courage                   | دل و جرات           | <b>dude:</b> a man                                              | مرد، آدم، یارو          |
| <b>barnet:</b> hair                             | زلف                 | <b>fat chance:</b> little or no opportunity                     | امکان ندارد، به هیچ وجه |
| <b>battle-axe:</b> an intimidating woman        | زن ترسانک           | <b>foxy:</b> sexually attractive                                | خوشگل                   |
| <b>bevy:</b> alcoholic drink                    | مشروب               | <b>glad rags:</b> your best clothes                             | بهترین لباس             |
| <b>biccy:</b> a biscuit                         | بیسکویت             | <b>greenback:</b> a US dollar                                   | دلار آمریکا             |
| <b>big fish:</b> an important person            | شخص مهم             | <b>guy:</b> man                                                 | مرد، آدم، یارو          |
| <b>bird:</b> a woman or girlfriend              | زن یا دوست دختر     | <b>heist:</b> to steal money                                    | دزدیدن                  |
| <b>bobby:</b> a policeman                       | افسر پلیس           | <b>in a pig's whisper:</b> immediately                          | بلافاصله                |
| <b>boozer:</b> a public house                   | میتده               | <b>loaded:</b> intoxicated                                      | مست، لول                |
| <b>buck:</b> a US dollar                        | دلار آمریکا         | <b>lulu:</b> an outstandingly bad or impressive person or thing | لولو                    |
| <b>buckley's or buckley's chance:</b> no chance | به هیچ وجه          | <b>mug:</b> to attack with the intention of robbing             | حمله کردن و قاپیدن      |
| <b>buddy:</b> a friend                          | رفیق                | <b>neck:</b> to kiss and cuddle                                 | در آغوش گرفتن و بوسیدن  |
| <b>bushed:</b> exhausted                        | کاملاً خسته         | <b>nope:</b> no                                                 | نه، نج                  |
| <b>chancer:</b> an opportunist                  | فرست طلب            | <b>peg leg:</b> a wooden leg                                    | پای چوبی                |
| <b>civvy:</b> civilian                          | شخص غیرنظامی        | <b>pic:</b> picture                                             | عکس                     |
| <b>clobber:</b> clothes                         | لباس                | <b>pub:</b> a public house                                      |                         |

|                                 |              |                                   |                |
|---------------------------------|--------------|-----------------------------------|----------------|
| scrubber: an unattractive woman | میخانه       | stunner: a very attractive person | مرد یا زن جذاب |
| shooter: a gun                  | زن زشت       | tummy: the stomach                | شکم، معده      |
| skint: without money            | تفنگ         | yellow: cowardly                  | ترسو           |
|                                 | مفلس، بی پول |                                   |                |

مهمترین حادثه اوایل قرن بیستم بدون شک بروز جنگ جهانی اول بود. هزاران جوان از گوشه و کنار دنیایی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کردند از خانه‌های خود کنده شدند و در این جنگ خانمانسوز شرکت کردند. در این مقطع با زبانی آشنا شدند که هیچوقت آن را تجربه نکرده بودند. حجم واژه‌ها به قدری بود که به تنهایی عنوان «کلمات عامیانه نظامی» را به خود اختصاص می‌داد. در این جنگ، سربازان انگلیسی علاوه بر آشنا شدن با افرادی از جزایر انگلیسی با سربازانی از استرالیا، نیوزیلند، کانادا، آفریقای جنوبی و آمریکا نیز آشنا و همکار شدند. این ارتباطات در غنی‌تر شدن واژگان زبان انگلیسی سهم به‌سزایی داشت. از طرف دیگر، ارتباط این سربازان با متحدین فرانسوی خود، کلمات جدیدی مثل boche, napoo, plonk, san fairy ann را وارد زبان انگلیسی کرد.

برخی از واژه‌ها و اصطلاحات اوایل قرن بیستم تا قبل از شروع جنگ جهانی دوم عبارتند از:

|                                              |                             |                                     |                    |
|----------------------------------------------|-----------------------------|-------------------------------------|--------------------|
| ace: an airman of the highest quality        | خلبان ماهر و متهور          | imshi: go away (from Arabic)        | سیگار              |
| archibald: an anti-aircraft gun or its fire  | آتش یا توپ ضد هوایی         | napoo:                              | برو گم شو          |
| AWOL: absent without official leave          | ترک خدمت بدون اجازه         | pineapple: a hand grenade or a bomb | نارنجک یا بمب دستی |
| blighty: a wound necessitating a return home | زخمی مجاز به بازگشت به خانه | plonk: wine of poor quality         | مشروب کم‌بها       |
| boche: a German                              | آلمانی                      | san fairy ann: it doesn't matter    | اشکالی ندارد       |
| dog tag: a soldier's metal identity disc     | پلاک سربازان                | souvenir: to steal something        | دزدیدن             |
| gasper: a cigarette                          |                             | Big Apple: New York City            | نیویورک            |
|                                              |                             | buzz: make a phone call             | زنگ زدن            |

**chute:** a parachute

چتر

**cowboy:** someone who behaves recklessly

بی پروا

**fave:** favourite

مورد علاقه

**flab:** excess body fat

چربی زاید بغل‌ها

**flapper:** a flighty young woman

زن قرتی

**H:** heroine

هروئین

**hokum:** nonsense or sentimentality

چرند

**hot pants:** sexual desire

میل جنسی

**loopy:** insane

خل و چل

**nose candy:** cocaine

کوکائین

**pissed:** drunk

مست

**up the pole:** pregnant

حامله

**weepie:** a highly emotional film or book

در دهه چهل جنگ جهانی دوم در گرفت و نسل جوان را نه تنها با واژه‌های جنگ بلکه با واژه‌های مختلف اجتماعی آشنا ساخت. بر خلاف جنگ جهانی اول، این جنگ، جنگی به تمام معنی بود؛ از این رو که در آن برای اولین بار توده‌های مردم نیز در خط اول بودند. لذا خود واژه‌های جنگ دیگر مختص به جنگاوران نبود، بلکه اقشار مختلف مردم نیز در پیدایش و رشد و ثبت این واژگان سهم داشتند. حضور مردها در جبهه باعث شد زنان کارهای اجتماعی مردها را به دوش بکشند. سینمای آمریکا نیز در ضبط و انتشار این کلمات نقش مهمی داشت.

برخی از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم:

**admin:** administration

مدیریت

**bash:** an attempt

تلاش

**bombshell:** an attractive woman

زن جذاب

**boob:** a female breast

پستان، ممه

**commie:** a communist

کمونیست

**dig:** understand

فهمیدن

**dum-dum:** a stupid person

کودن

**five-o'clock shadow:** the new growth of hair

ته ریش

**pix:** pictures

عکس

**snatch:** a robbery or kidnapping

سرقت، آدم ربایی

**yob, yobbo:** a teenage lout

جوان لات، لابلای

**you can say that again:** you're absolutely right

حق با شما است

**bandit:** an enemy aircraft

هواپیمای دشمن

**belt up:** to be quiet

ساکت بودن

**busty:** having a large bust

خوش سر و سینه

**choppers:** teeth

دندان

**civvy street:** civilian life after war

زندگی شهری پس از بازگشت از جبهه

**clippie:** a female bus or tram conductor

کمک راننده زن

**Dear John letter:** a letter from a wife to his hubby

نامه همسر به شوهر در ایام جنگ

**dreamboat:** a desirable person

شخص رویاها

**flak:** anti-aircraft fire

آتش ضد هوایی

**get the chop:** to be dismissed

اخراج شدن

**gizmo:** a gadget

ابزار

**hairy:** frightening

هراس انگیز

**Hiya:** a greeting

سلام بر شما

**loo:** a lavatory

توالت

**mousetrap:** unexceptional cheese

پنیر معمولی

**pissed off:** annoyed

آزرده، عصبی

**tash:** a moustache

سیل

**up the duff:** pregnant

حامله

**zilch:** nothing

هیچ چیز، صفر

قرن بیست و یکم کلماتی را برای خود ایجاد کرده است که قرن بیستم از آنها ناآگاه بود. کلمات زیادی نیز در حال به وجود آمدن هستند که بعضی از آنها راه را برای آینده خود باز می کنند و برخی دیگر به طور موقت در افواه هستند. فهرست زیر کلمات یا عباراتی را نشان می دهد که در چند سال گذشته ثبت شده اند.

**aluminium cookie:** a compact disc

دیسک کامپیوتر

**bingo wings:** flaps of skin hang down from upper arms

گوشت آویزان از زیر بازوها

**bleeding edge:** part of organisation that generates innovative ideas

بخشی از سازمان که ایده های بکر

تولید می کند

**bling:** jewellery

جواهرالات

Britney Spears: beers

آبجو

**chav:** an uneducated celeb

هنرمند معروف ولی بی فرهنگ

**digerati:** expert computer users

کاربران متخصص کامپیوتر

**flag up:** to draw to someone's attention

جلب توجه کردن

**gay:** unfashionable, worthless or inferior

بی ارزش و از مد افتاده

**monsterring:** harsh criticism

انتقاد شدید

**sex up:** make documents interesting

جذاب و گیرا کردن اسناد

**silver surfer:** an older person using the internet

فرد مسن علاقمند به اینترنت  
**stooze:** to borrow money at a low rate  
interest

با سود کمتر وام بانکی گرفتن  
**yummy mummy:** an attractive  
woman with children  
زن متأهل جذاب

www.ketab.ir

## Everyday Life Food

## غذای روزمره

hen fruit

ترشی خیار

wolly

ترشی زیتون

wolly

توشه

scrab

جشن

beano

چای

brew, char, Rosie Lee

چیپس و ماهی فروشی

chipper, chippy or chippie

خریصانه خوردن

guts, hog it, scarf down, scoff, snarf, wolf

خوراک

chuck, eats, grub, nosebag, nosh, tuck

خوردن (چیزی)

get outside of, peck

خوش خوراک

foodie or foody

خوشمزه

scrumptious

دسر

afters

دم کردن قهوه

perk

دور هم نشینی

muffin-fight

رستوران

eatery, noshery

chewie

آدامس

two-eyed steak

استیک دودی

(استرالیا و نیوزلند) اشپز غربتی اردوگاه

greasy

انگور فرنگی

goosegog

باربیکیو

barbie

بخش سمی خرچنگ یا سایر صدفداران

dead men

خوراکی

بسم الله

dig in

بیسکویت

biccy

پر خوری کردن

pig out

پس غذا

afters

پشت بند

seconds

پنیر بی کیفیت

mousetrap

پنیر بی مزه

mousetrap

پودینگ

pud

(آمریکا) پیراشکی

sinker

تخم مرغ

|                                               |                              |                            |                                                |
|-----------------------------------------------|------------------------------|----------------------------|------------------------------------------------|
| wad                                           | شیرینی خشک                   | hash house                 | (آمریکا) رستوران درجه سه                       |
| brekkie or brekky                             | صبحانه                       | Chinese                    | رستوران چینی‌ها                                |
| chop                                          | (واژه آفریقایی) غذا          | rabbit food                | سالاد (از دید فرد گوشتخوار)                    |
| dodger                                        | غذا (مخصوصاً نان)            | sarnie, wad                | ساندویچ                                        |
| chuck, eats, grub, nosebag, nosh, scran, tuck | غذا                          | toastie                    | ساندویچ برشته شده                              |
| blow-out                                      | غذای اشرافی                  | chipper, chippy or chippie | ساندویچ فروشی                                  |
| tightener                                     | غذای پر ملات و سنگین         | veg, veggies               | سبزیجات                                        |
| Chinese                                       | غذای چینی                    | veggie                     | سبزی خوار                                      |
| elevenes                                      | غذای سرپایی                  | wire                       | سریع و حریصانه خوردن                           |
| heart attack on a plate                       | غذای سرخ کردنی               | loop-the-loop              | سوپ                                            |
| seconds                                       | غذای مکمل                    | banger                     | سوسیس                                          |
| elevenes                                      | غذای مختصر در ساعت ۱۱ صبح    | weenie                     | سوسیس ونیزی                                    |
| Frankenstein food or Frankenfood              | غذای مصنوعی گیاهی یا حیوانی  | murphies                   | سیب زمینی (غذای سنتی ایرلندی‌ها)               |
| heart attack on a plate                       | غذای مضر                     | spud, tater                | سیب زمینی                                      |
| feed, nosh up                                 | غذای مفصل                    | chippy or chippie          | سیب زمینی سرخ کرده                             |
| Indian                                        | غذا یا رستوران هندی          | greasies                   | (استرالیا و نیوزلند) سیب زمینی و ماهی سرخ کرده |
| slap-up                                       | غذای گران و عالی             | dig in                     | شروع به غذا خوردن کردن                         |
| square                                        | غذای منظم                    | satin and silk             | شیر                                            |
| fry-up                                        | غذایی از سرخ کردنی‌های متنوع | deli                       | شیرینی فروشی                                   |

|                |                    |                                                                 |
|----------------|--------------------|-----------------------------------------------------------------|
| chuck wagon    |                    | فروشگاه غذاهای آماده                                            |
| shift          | مصرف کردن          | قاشق، کارد و چنگال                                              |
| barbie         | منقل ذغالی         | قورت دادن                                                       |
| beano          | مهمانی             | قهوه                                                            |
| blow-out       | مهمانی بزرگ        | قهوه (گرفته شده از نام جزیره جاوا که مرکز معروف قهوه است)       |
| muffin-fight   | مهمانی چای         | java (آمریکا) قهوه                                              |
| tea fight      | مهمانی عصرانه      | joe قهوه بدون کافئین                                            |
| soldier        | نان تست با کره     | decaff قهوه خانه                                                |
| doorstep       | نان توستر کلفت     | caff, noshery قهوه خانه درجه سه                                 |
| soul food      | نان ذرت            | greasy spoon کباب لقمه با سس                                    |
| feed your face | نوش جان کردن       | sloppyjoe کله پخته                                              |
| get outside of | نوشیدن (چیزی)      | jemmy کیک                                                       |
| pop            | نوشدنی گازدار      | wad گارسون رستوران بی کلاس                                      |
| sunny side up  | نیمروی عسلی        | hash slinger گرم کردن غذا در مایکروویو                          |
| easy over      | نیمروی دو طرف پخته | nuke گوشت گوساله نمک زده                                        |
| prog           | وسایل سفر          | salt-junk لوبیا                                                 |
| cuppa          | یک فنجان چای       | Milton Keynes ماشین حمل غذا و وسایل آشپزی مخصوصاً برای دامداران |

## Money

|                                                         |                                                    |
|---------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
|                                                         | بی پول                                             |
| boracic or brassic, broke, skint, stony-broke           | (آمریکا) بی پول                                    |
| busted                                                  | بی پولی                                            |
| on your uppers or beam ends                             | بیست پوند                                          |
| score                                                   | بیست و پنج پوند                                    |
| pony                                                    | (کارت اعتباری) بیش از سقف مجاز اعتبار استفاده کردن |
| max out                                                 | بی نوا                                             |
| hard up                                                 | پانصد پوند                                         |
| monkey                                                  | پنجاه پوند                                         |
| half a ton                                              | پول                                                |
| do-re-mi, dosh, dough, jack, lolly, poppy, shekels, tin | (آمریکا) پول                                       |
| green or green stuff                                    | (استرالیا) پول                                     |
| oncer or oner                                           | پول بسیار کم و ناچیز                               |
| chickenfeed                                             | پول تقلبی                                          |
| funny money                                             | پول خرد بدرد نخور                                  |

## پول

|                                                      |                            |
|------------------------------------------------------|----------------------------|
|                                                      | (آمریکا) اسکناس            |
| folding green or folding money, green or green stuff | اسکناس از دور خارج شده     |
| dead presidents                                      | اسکناس پنج پوندی           |
| fiver, Lady Godiva                                   | اسکناس پنج دلاری           |
| tin                                                  | اسکناس ده پوندی            |
| Ayrton Senna, tenner                                 | (آمریکا) اسکناس ده دلاری   |
| sawbuck                                              | اسکناس صد پوندی            |
| big note                                             | اسکناس صد دلاری            |
| c-note                                               | اسکناس قدیمی               |
| dead presidents                                      | (استرالیا) اسکناس یک پوند  |
| oncer or oner                                        | اشرفی                      |
| stinking rich                                        | امرار و معاش کردن          |
| earn a crust                                         | بازپرداخت یا صاف کردن بدهی |
| square up                                            | بهره صد در صد              |
| double-bubble                                        | به مبلغ کمی فروختن         |
| go for a song                                        |                            |